

یک کتاب در یک مقاله



روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی
مسعود آذربایجانی، محمدرضا سالاری فر، اکبر عباسی،
محمد کاویانی و سید مهدی موسوی اصل
پژوهشکده حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۶۸
روان‌شناسی ۷) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم
انسانی دانشگاه‌ها (سمت) شماره انتشار ۷۰۷،
روان‌شناسی ۳۳
چاپ اول، پاییز ۱۳۸۲، ۶۱۵ صفحه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

کتاب روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی اثر گروهی از محققان گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که با هدف لزوم توجه به مبانی و دیدگاه‌های اسلامی در حوزه علوم انسانی به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی تألیف شد. این کتاب، گامی است در جهت بومی سازی یکی از شاخه‌های مهم روان‌شناسی و علوم انسانی. ساختار اصلی کتاب، برگرفته از کتاب *social psychology* تألیف دو تن از



اساتید روان‌شناسی اجتماعی به نام‌های بارون (baron R.A) و باین (byrne D.) است. این کتاب از نظر انسجام، رویکرد و ساختار فصول بر سایر کتاب‌های موجود در این زمینه ترجیح داده شد. همچنین از منابع معتبر دیگری مانند تألیفات سیرز (sears D.o.)، اسمیت (smith E. R.)، ارونسون فورسیس (forsyth D.R.) و بیش از سی کتاب فارسی استفاده شد.

مقدمه

روان‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های مهم روان‌شناسی است و براساس تعریف، دانشی است که به مطالعه علمی تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر می‌پردازد و در صدد یافتن علل و چگونگی پدید آمدن رفتار، احساسات و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی است. موقعیت‌های اجتماعی، موقعیت‌هایی است که تحت تأثیر حضور واقعی، خیالی، یا ضمنی (Implied) دیگران باشد. اصطلاح «حضور ضمنی» به رفتارهایی اشاره دارد که شخص به علت جایگاه خویش در یک ساخت اجتماعی پیچیده و یا به دلیل عضویتش در یک گروه فرهنگی خاص آنها را انجام می‌دهد. روان‌شناسی اجتماعی با سه علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی روابط تنگاتنگ و مستمری دارد؛ اما در عین حال علمی است با هویتی ممتاز و مستقل از هر یک از این سه علم. این علم از چند جنبه، از روان‌شناسی عمومی متمایز می‌شود: از نظر قلمرو مورد بررسی، روان‌شناسی عمومی به مطالعه فرایندهای روانی می‌پردازد و به مسائل تعامل و رفتار در گروه‌ها و روابط میان افراد تمرکز و تأکید ندارد؛ لکن روان‌شناسی اجتماعی محور سخن خود را بر همین مسائل می‌نهد. از نظر روش، روان‌شناسی عمومی بیشتر به تجارب آزمایشگاهی اهمیت می‌دهد؛ اما در تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی، تحقیقات میدانی اهمیت بیشتری دارد. وجوه تمایز این علم از جامعه‌شناسی را نیز می‌توان چنین توضیح داد. اگرچه در هر دو رشته رفتار افراد در گروه مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما جامعه‌شناسی، به رفتار از آن نظر که از افراد صادر می‌شود، نمی‌پردازد؛ بلکه آن را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در نظر می‌گیرد؛ حال آنکه روان‌شناسی اجتماعی در مطالعه رفتار، بر افراد متمرکز می‌شود. در بسیاری از موارد، این دو علم مسائل یکسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهند، ولی نگاه آنها به مسئله کاملاً متفاوت است. می‌توان گفت در مطالعه رفتارهای اجتماعی، جامعه‌شناس

به علل اجتماعی، و روان‌شناس اجتماعی به علل روان‌شناختی آن علاقه‌مند است.

گزارش کتاب

کتاب روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی در یازده فصل سامان یافته است.

فصل اول: کلیات

این به بیان ماهیت روان‌شناسی اجتماعی و تعریف آن و نیز ارتباط آن با رشته‌های علمی نزدیک (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی عمومی و مردم‌شناسی) می‌پردازد. در این فصل، همچنین تاریخچه روان‌شناسی اجتماعی در دو مرحله قبل و بعد از علمی شدن، مورد بررسی قرار می‌گیرد و اشاراتی که در برخی آثار کهن و فاخر ادب پارسی به مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی شده است، نیز مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در بخش پایانی این فصل، از روش‌های تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی سخن به میان می‌آید و مسئله، از رویکرد دینی و اسلامی نیز مورد تدقیق قرار می‌گیرد و مطرح می‌شود که یکی از راه‌های کسب اطلاعات قابل اعتماد درباره حقایق مربوط به انسان، استفاده از منابع نقلی دینی، یعنی قرآن کریم و روایات واجد شرایط است. با مبنا قرار دادن مقدماتی که در جای خود با برهان و استدلال اثبات شده است (مثل اثبات وجود و حکمت خداوند، و ضرورت بعثت انبیا، و اثبات حقانیت پیامبر با معجزه و لزوم پیروی از او، و اثبات استناد سخنان آن پیامبر به خالق هستی) به حکم عقل، این اطلاعات معتبر است؛ زیرا این اطلاعات مستند به همان کسی است که انسان را با تمام بیچیدگی‌ها و ظرایفش آفریده و به اسرار خلقت او از هر کس آگاه‌تر است. البته ادعا نمی‌شود که آنچه از این طریق حاصل می‌آید، علمی به معنای امروزی آن است؛ بلکه ادعا این است که اطلاعات حاصل از این طریق، معتبر و قابل اعتماد است و می‌تواند در علوم انسانی مفید و راهگشا باشد. در ادامه به دو موضوع دیگر نیز پرداخته می‌شود: ۱. شرایط استفاده از این منابع؛ ۲. روش برخورد با مواردی که مفاد یک گزاره استخراج شده از منابع دینی، با نتیجه یک تحقیق تجربی منافات داشته باشد و قابل جمع نباشد.

فصل دوم: ادراک اجتماعی

این فصل دربردارنده سه بحث اصلی با عناوین «ارتباط غیرکلامی»، «اسناد» و «برداشت» است. در بحث «ارتباط غیرکلامی»، راه‌های اساسی این نوع ارتباط و

جنبه‌های همگانی و اختصاصی ابراز هیجان‌ات در جوامع و فرهنگ‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته، در ادامه از ارتباط غیر کلامی در منابع اسلامی سخن به میان آمده است. در بخش «اسناد» نظریه‌های اسناد مطرح می‌شود و منابع اسلامی خطا در اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش دو بحث ویژه نیز وجود دارد که اولی نقش ایمان در اسناد، و دومی اسناد موفقیت به خداوند را تبیین می‌کند و از ریشه‌های آن در باورهای دینی جست‌وجو می‌کند. در آخرین بحث از این فصل با عنوان «برداشت» (Impression) از چگونگی شکل‌گیری برداشت‌های نخستین و برداشت‌های پیچیده‌تر و نظریه‌ها و مواد خام نخستین برداشت سخن گفته می‌شود. در بخش بحث ویژه نیز «ایمان» به عنوان یک برداشت در نظر گرفته می‌شود و تجلی آن در علایم غیر کلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم: شناخت اجتماعی

در این فصل موضوعاتی چون «طرح‌های ذهنی» (Schema)، «میان‌برهای ذهنی» (Shortcuts)، «منابع خطا در شناخت اجتماعی» و «خودشناسی» مطرح می‌شود و در ذیل آنها به اهمیت طرح‌های ذهنی و انواع آن و قواعد میان‌بر زدن ذهنی برای دستیابی به یک شناخت پرداخته می‌شود، و خطای برنامه‌ریزی و تفکر سحری و افراطی، به عنوان منابع خطا در شناخت اجتماعی تلقی، و محور بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در یک بررسی تطبیقی، موضوع «حرمت خود» در تعالیم اسلامی و ادبیات دینی با عزت و کرامت نفس مقایسه می‌شود و با استناد به آیات و روایات تبیین می‌گردد که آموزه‌های دینی هم خود فرد را به احترام گذاشتن به خویش‌تر تشویق می‌کنند و هم دیگران را به مراعات حرمت انسان‌ها ملزم می‌نمایند. ذکر این نکته که در تعالیم اسلامی از افرادی که در زندگی شخصی و تعامل اجتماعی به خود متکی هستند، تمجید شده است و اینکه براساس روایات متعدد، خداوند به مؤمن اجازه ذلت‌پذیری نداده است و او اجازه ندارد که حیثیت خود را پایمال کند، به عنوان شواهدی بر این مدعا مطرح می‌شود.

در ادامه بررسی مسئله از دیدگاه اسلام، رابطه اخلاق و «حرمت خود» موضوع بحث قرار می‌گیرد و تبیین می‌شود که تعالیم اسلامی با توجه دادن انسان به حرمت کرامت نفسانی اش، نه تنها او را از ذلت و وابستگی به دیگران می‌رهاند و روح اعتماد به

خویشتن در زندگی شخصی را در وی بر می‌انگیزد، بلکه از این راه سعی می‌کند فضایل اخلاقی و انسانی را نیز در وی زنده کند. در ادامه، با استناد به روایات، پیامدهای اخلاقی منفی خودکم‌بینی و خودکم‌ارزشی بر شمرده می‌شود و در پایان نتیجه‌گیری می‌شود که بین عزت نفس و اخلاق، همبستگی وجود دارد؛ به این معنا که هر قدر میزان عزت نفس و احترام به خود بالاتر باشد، امکان ارتکاب اعمال غیر اخلاقی کمتر می‌شود و کمبود یا عدم وجود عزت نفس با افزایش ارتکاب کارهای خلاف اخلاق رابطه دارد.

در بحث ویژه، این موضوع بررسی می‌شود که در تعالیم اسلامی، جهاد با نفس چگونه با کرامت نفس قابل جمع است. چگونه در قرآن نفس «آمارة بالسوء» نامیده می‌شود و در روایات از نفس به بدترین دشمن تعبیر می‌شود، و در عین حال، همین نفس کریم نیز هست؟ سؤال دوم اینکه عزیز و مکرم داشتن نفس با مذموم بودن کبر و خود بزرگ‌بینی و دعوت به تواضع چگونه قابل جمع است؟ در ادامه بحث، تلاش می‌شود به این دو سؤال پاسخ مناسبی داده شود.

فصل چهارم: نگرش

در فصل چهارم ابتدا مفهوم «نگرش» (Attitude) تعریف می‌شود و وجوه اهمیت آن تبیین می‌گردد. در ادامه، ضمن برشمردن ویژگی‌های نگرش، در بخش ویژه، ایمان به عنوان یک نگرش اصلی در نظر گرفته می‌شود. راهبردها و عوامل مؤثر در تکوین نگرش از دیگر مباحث مورد بررسی در این فصل است. در ذیل این بحث از یادگیری اجتماعی و مقایسه‌های اجتماعی و منابع انگیزش فردی و اجتماعی به تفصیل سخن می‌رود. راهبردهای شکل‌گیری و تغییر نگرش در فرهنگ اسلامی از دیگر مباحث این فصل است. در این مبحث با استناد به آیات و روایات از عواملی چون فرهنگ، تقلید و تکرار، انگیزه‌ها و هیجان‌ها، تفکر و استدلال، ایجاد ناهماهنگی شناختی، دعا، توجیه‌شناختی نسبت به پیامد هر کار، توجه دادن به عظمت خداوند، وضعیت رفاهی و اقتصادی، وابستگی‌های گروهی، مراودات دوستانه و خلق خوش، نام برده می‌شود، و هر یک با اشاره به آیات و روایات مربوط، تبیین می‌شود. در ادامه از رابطه نگرش ایمانی با رفتار، تحت عنوان بحث ویژه، سخن رانده می‌شود.

تغییر و سنجش نگرش، دو بحث پایانی این فصل را تشکیل می‌دهند. در بحث



تغییر نگرش از اثر متقاعد سازی در تغییر نگرش‌های دیگران و ناهماهنگی شناختی در تغییر نگرش‌های خود و عوامل ناکامی در تغییر نگرش‌ها سخن به میان می‌آید. در این قسمت از سه عامل «واکنش مخالف» (Reactance)، «پیش‌آگاهی» (Fore Warning) و «اجتناب‌گزینی» (Selective avoidance) به عنوان عوامل ناکامی در تغییر نگرش نام برده می‌شود و چگونگی عمل آنها تبیین می‌گردد. در آخرین مبحث از این فصل با عنوان «سنجش نگرش» بر این نکته آگاهی داده می‌شود که تا کنون مقیاس‌های متعددی برای سنجش نگرش ساخته شده است؛ اما به دلیل ماهیت نگرش - و عینی نبودن آن - هیچ کدام از این مقیاس‌ها از دقت و کاربرد کافی برخوردار نبوده‌اند. این نکته که ممکن است برخی از نگرش‌ها در حیطه ناهشیاری فرد باشند، در حالی که مقیاس‌های موجود فقط جنبه هشیار فرد را می‌سنجند، مزید بر علت شده است. در پایان برخی از مهم‌ترین مقیاس‌های سنجش نگرش معرفی می‌شوند و در این راستا به مقیاس فاصله اجتماعی بوگاردوس (Bogardus) [۱۹۲۵]، مقیاس ترستون (Thurstone) [۱۹۲۹]، مقیاس لیکرت (Likert) [۱۹۳۲] و مقیاس آمادگی رفتاری اشاره می‌شود.

فصل پنجم: پیش‌داوری

فصل پنجم کتاب ابتدا از ماهیت و انواع پیش‌داوری (پیش‌داوری قومی، دینی و جنسی) و سپس از تفاوت پیش‌داوری با تبعیض، و انواع تبعیض بحث می‌کند. در مقام بحث از خاستگاه شناختی پیش‌داوری به تصورات قالبی پرداخته می‌شود و نقش عواطف در تفکر مبتنی بر تصورات قالبی مورد توجه قرار می‌گیرد. در جست‌وجو از ریشه‌ها و خاستگاه اجتماعی پیش‌داوری به سه عامل رقابت، شرایط نامناسب اقتصادی، و منافع اقتصادی اشاره می‌شود. در مقام تبیین خاستگاه انگیزش پیش‌داوری به عواملی، چون وضعیت روانی و انگیزه‌های فرد و نیز ویژگی‌های شخصیتی افراد اشاره می‌شود و نقش آنها در پدید آمدن پیش‌داوری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه از راه‌های مقابله با پیش‌داوری و از انواع مداخله‌های شناختی سخن به میان می‌آید. در این راستا دو طریق پیشنهاد می‌شود: نخست تلاش برای تغییر تصورات قالبی از طریق واداشتن فرد به تفکر دقیق در مورد دیگران که در واقع، نوعی هدایت اسنادهای فرد است، دوم تلاش برای تغییر این تصورات از این طریق که فرد در معرض

اطلاعات ناسازگار با تصورات قالبی فرد قرار داده شود.

«تعدیل شناخت‌ها در روابط اجتماعی از نظر تعالیم اسلام» به عنوان بحثی ویژه مورد بررسی قرار گرفته است. در این بحث این نکته تبیین می‌گردد که تعالیم اسلام در صدد تغییر مقدمات شناختی پیش‌داوری است. در این تعالیم در مرتبه اول افراد به تفکر و دنباله‌روی از علم ترغیب می‌شوند و در مرتبه دوم از پیروی گمان و تصورات غیر علمی منع می‌گردند. در اینجا به آیاتی از قرآن اشاره می‌شود که براساس آنها افراد از پیروی گمان یا تصورات و شناخت‌هایی که مبنای صحیح ندارند، منع شده‌اند.

در بخش پایانی این فصل از شیوه‌های شناختی و عاطفی اسلام در مقابله با پیش‌داوری سخن گفته شده است. در این راستا به نگرش‌هایی چون «برابری انسان‌ها» و «تقوا به عنوان ملاک برتری» اشاره می‌شود که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. ذیل عنوان «شیوه‌های عاطفی اسلام در مقابله با پیش‌داوری» از محبت به عنوان اساس روابط اجتماعی در اسلام نام برده می‌شود و با استناد به برخی آیات و روایات نتیجه‌گیری می‌شود که در محدوده یک جامعه اسلامی باید اصل «رحمت متقابل» حاکم باشد و گروه‌های مختلف با ملایمت و مهربانی با یکدیگر تعامل کنند. در این راستا با استناد به شیوه اولیای دین به این نکته اشاره می‌شود که در تعالیم اسلام عواطف افراد باید نسبت به معتقدات ادیان دیگر نیز مثبت و خیرخواهانه باشد. همچنین به سه راهکار عملی برای برقراری تعامل مناسب میان گروه‌های اجتماعی و کاهش پیش‌داوری و تبعیض اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. توصیه می‌شود افراد صفات نامطلوبی را که به تعامل اجتماعی مناسب آسیب می‌رساند و موجب رفتارهای تبعیض‌آمیز می‌شود، از خود دور کنند. ۲. توصیه می‌شود افراد با یکدیگر روابط صمیمانه برقرار کنند. ۳. قوانینی وضع شود که از تعدی گروه‌های اجتماعی نسبت به هم جلوگیری کند.

فصل ششم: جاذبه‌های میان فردی

این فصل در بردارنده یکی از موضوعات اساسی روان‌شناسی اجتماعی است. در این فصل با نگاهی به اصول اساسی جاذبه میان فردی تلاش می‌شود زمینه‌ها و عوامل مؤثر در علاقه و کشش میان افراد شناسایی شود و سطوح و مراحل رشد روابط شخص از آشنایی و تماس سطحی تا دوستی و رفاقت صمیمی تبیین شود. افزون بر این، در این

فصل با مطالعه الگوی دل‌بستگی در خانواده و روابط خواهر و برادر، نوع روابط خارج از خانواده و دوستی‌های نزدیک تحلیل و ریشه‌یابی می‌شوند و در پایان «تنهایی» (در مقابل دوستی و مردم) و عوامل پدید آمدن و راه‌های کاهش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به جایگاه اساسی دوستی و جاذبه میان‌فردی در تعالیم اسلامی، توصیه‌ها و اصولی که در این باره در متون اسلامی بیان شده است و نیز مباحث دوستی در خانواده، و تنهایی در آموزه‌های اسلامی، در این بخش موضوع بحث و بررسی قرار می‌گیرند. در این راستا به موضوعاتی چون زیارت مؤمنان، صلۀ رحم، ترغیب بر الفت و دوستی اشاره می‌شود که در آموزه‌های اسلامی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته‌اند.

همجواری، ابراز عواطف مثبت هنگام برخورد، نیاز به پیوندجویی، ویژگی‌های ظاهری (نظیر نظافت، آراستگی و زیبایی) مشابهت در نگرش و مکمل بودن نیازها، شایستگی و خصوصیات شخصی مثبت (نظیر ایمان و عمل شایسته، خوش‌رویی، فروتنی و تواضع، وفاداری، بخشندگی و سخاوت، انصاف) و اجتناب از آفات دوستی (نظیر آزار و اذیت دیگران، تحقیر کردن، غیبت، بدگمانی، حسد و...) به عنوان عوامل و زمینه‌های جاذبه میان‌فردی، مورد بحث قرار می‌گیرند. در تمام این مباحث، چگونگی مسئله از دیدگاه اسلام نیز کانون توجه قرار می‌گیرد؛ از جمله، این بحث مطرح می‌شود که براساس برخی روایات، گشاده‌رویی موجب انس دوستان می‌شود، یا براساس آیاتی از قرآن کریم، گوش دادن به سخنان دیگران از علایم احترام گذاشتن به آنها است و این موضوع در جلب عواطف و محبت دیگران تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. سلام کردن، دست‌دادن و در آغوش کشیدن، پرسیدن از نام و احوال‌پرسی، اعلام و اظهار دوستی و محبت و هدیه دادن براساس برخی روایات از جمله عوامل مؤثر در برقراری تعامل مثبت و سازنده با دیگران برشمرده می‌شوند.

فصل هفتم: پرخاشگری

در این فصل بعد از ذکر تعریف و انواع پرخاشگری به دیدگاه‌های نظری درباره منشأ پرخاشگری پرداخته می‌شود و در این راستا پنج دیدگاه تشریح می‌شود که به ترتیب عبارت‌اند از: دیدگاه ذاتی بودن پرخاشگری، نظریه‌های زیست‌شناختی، نظریه‌های کشاننده‌ای، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه‌های شناختی. در عنوان «برانگیزاننده‌های پرخاشگری» به پنج

عامل ناکامی، تحریک مستقیم، خشونت رسانه‌ای، عوامل شخصیتی و سوگیری اسنادی خصمانه (Hostile attributional Bias) اشاره می‌شود. بحث بعدی در باره شیوه‌های پیشگیری و مهار پرخاشگری است. مجازات پرخاشگر، پالایش (Catharsis)، بازدارنده‌های شناختی، ارائه الگوهای غیر پرخاشگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی، استفاده از عواطف مثبت (پاسخ‌های مغایر) به عنوان شیوه‌های پیشگیری و مهار پرخاشگری معرفی و مورد بحث قرار می‌گیرد. دیدگاه اسلام درباره مسئله، و شیوه‌هایی که از آموزه‌های اسلام قابل استنتاج است، مباحث بعدی فصل را تشکیل می‌دهند. در این راستا انواع شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری که از منابع اسلامی به دست آمده‌اند، معرفی می‌شوند. ذیل عنوان «شیوه‌های شناختی» با استناد به آیات و روایات آموزه‌های اسلام برای ارائه بازخوردها و تشکیل نگرش‌های صحیح و جدید در مورد خشم، و آثار مثبت مهار پرخاشگری، و پیامدهای منفی مهار نکردن آن تبیین می‌شود. «شیوه‌های عاطفی» اشاره به روش‌هایی دارد که از طریق تهییج عاطفی و تحریک هیجانی افراد به ترک پرخاشگری صورت می‌گیرد و مشتمل است بر توصیه‌ها و ترغیب‌هایی که در مورد رفتارهای متعادل و توأم با آرامش، و نهی‌هایی که در مورد رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌بار در منابع اسلامی وجود دارد. البته بر این نکته تأکید می‌شود که بدون فراهم آوردن زمینه‌های شناختی، و با صرف تهییج عاطفی و تحریک هیجانی و حتی تمهیدات رفتاری و ارائه الگوهای عینی نمی‌توان افراد را به انجام دادن اموری و اجتناب از اموری دیگر فراخواند. «شیوه‌های رفتاری» شیوه دیگری برای مهار پرخاشگری است که در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این بحث اشاره می‌شود که گاهی اولیای دین به طور مستقیم و با رفتار خود چگونگی مهار خشم را به نمایش می‌گذاشتند و با ارائه الگوی عینی و رفتاری، راه را بر هر گونه توجیه و تاویلی می‌بستند. این مطلب به برخی روایات مستند می‌گردد. «تفاوت‌های فرهنگی و نژادی در پرخاشگری» آخرین بحثی است که در این فصل از آن سخن گفته شده است.

فصل هشتم: رفتار حمایتی

در این فصل از رفتار حمایتی این گونه تعریف شده است: «رفتار حمایتی رفتاری است که به قصد کمک کردن به دیگران صرفاً به خاطر نوع دوستی و نه به منظور رسیدن به منفعت خاصی انجام می‌شود». از دهه ۱۹۶۰ به عنوان نقطه آغاز تحقیقات درباره

رفتار حمایتی نام برده می‌شود. در این دهه بر اثر بروز حادثه‌ای تفکر برانگیز، توجه روان‌شناسان اجتماعی به رفتار حمایتی جلب شد و در این باره به نظریه‌پردازی و اجرای آزمایش‌هایی پرداختند. آنان در صدد تبیین این نکته برآمدند که چرا گاهی ناظران، به یک موقعیت اضطرابی پاسخ نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن رد می‌شوند. «توجه به موقعیت اضطرابی»، «ارزیابی موقعیت به عنوان اضطرابی»، «احساس مسئولیت در مورد امدادسانی»، «داشتن دانش و مهارت کافی در امر امداد» و «اخذ تصمیم نهایی در مورد امداد» به عنوان پنج مرحله بروز رفتار حمایتی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

«رفتار حمایتی از دیدگاه اسلام» عنوان بحث بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. در این زمینه از سه دسته شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری سخن به میان می‌آید. در این شیوه سعی می‌شود زمینه‌های شناختی و فضای ذهنی مناسبی در مورد اصول حاکم بر روابط با دیگران و مواجهه با نیازها و مشکلات آنان ایجاد شود. در این راستا برای تشکیل بینش‌های صحیح در مورد لزوم یاری رساندن به دیگران و حساس بودن در برابر نیازها و رفتاری‌های هم‌نوعان به طور عام و هم‌کیشان به طور خاص، به چند اصل اساسی توجه می‌شود که زیربنای نگرش مؤمنانه در برخورد با این مسئله را تشکیل می‌دهند. این اصول عبارت‌اند از: ۱. اصل اشتراک در خلقت و داشتن ریشه مشترک؛ ۲. اصل پیوستگی انسان‌ها در جامعه بشری؛ ۳. اصل شدت پیوستگی در مورد آحاد امت اسلام؛ ۴. اصل برخورداری رفتار حمایتی از آثار مثبت همه جانبه. در ادامه بر اساس آیات و روایات، اصول چهارگانه تبیین می‌شوند. تبیین‌های نظری در باره عدم صدور رفتار حمایتی و نقد آنها در ادامه فصل مورد بحث قرار می‌گیرد. نیز تحت عنوان مؤلفه‌های پنج‌گانه شخصیت نوع دوست به مفاهیمی چون «همدلی» و «مرکز مهار درونی» اشاره می‌شود و بیان می‌گردد که کسانی که اعتقاد دارند پاداش اعمال خوب در دنیا داده می‌شود و کمک به دیگران برای آنان نفع دارد و نیز کسانی که معتقدند دارای مسئولیت اجتماعی هستند و خودمحوری کمتری دارند، زودتر و بیشتر از دیگران به رفتار حمایتی دست می‌کشایند.

در ادامه این فصل انواع رفتار حمایتی از دیدگاه اسلام بررسی می‌شود و تدابیر اسلام در چارچوب حمایت‌های مالی و عاطفی تبیین می‌شود. توجه اسلام به نقش الگوها در رفتار حمایتی در بخش پایانی فصل، موضوع بحث قرار می‌گیرد و بر اساس منابع

اسلامی، نمونه‌هایی از سیره پیشوایان دین مبین اسلام در این باره ذکر می‌شود. در این راستا نمونه‌هایی از رفتار حمایتی در سیره اولیای دین ذکر می‌گردد؛ از جمله به ماجرای «حلف الفضول» یا پیمان جوانمردان که اساس آن دفاع از حقوق افتادگان بود، اشاره می‌شود. همچنین نمونه‌هایی از سیره عملی امام علی (ع) و امام حسن (ع) بازگو می‌گردد که نشان می‌دهد چگونه این بزرگواران با عمل خود، اهتمام به رفتار حمایتی را به دیگران یاد دادند و آنان را ترغیب به آن نمودند.

فصل نهم: نفوذ اجتماعی

نفوذ اجتماعی به این معنا است که افراد به صورت متقابل در صدد تأثیرگذاری بر افکار، احساسات و رفتار یکدیگر برآیند. سابقه بحث در واقع به مبحث متقاعدسازی (فصل چهارم) باز می‌گردد. در این فصل به سه نوع مهم نفوذ اجتماعی؛ یعنی همنوایی، متابعت و اطاعت از مراجع قدرت پرداخته می‌شود.

همنوایی به «تغییر رفتارها یا باورها در نتیجه فشار غیرمستقیم افراد گروه یا جامعه» تعریف شده است. متابعت طبق تعریف، تغییری است که در رفتار فرد به وسیله درخواست مستقیم دیگران ایجاد می‌شود. اطاعت از مراجع قدرت نیز نوعی نفوذ اجتماعی است که در آن، فرد از دستورهای دیگران اطاعت می‌کند. در ادامه از چرایی همنوایی و عوامل مؤثر بر آن و انواع مطلوب و نامطلوب آن براساس آموزه‌های اسلام بحث می‌شود. به طور مثال با این استدلال که در فرهنگ اسلام - که تکیه فراوانی بر تعقل و تفکر دارد - تبعیت افراد از هنجارهای حاکم بر رفتار اکثریت اگر کورکورانه و بدون هیچ دلیل معقولی صورت گیرد (این نوع همنوایی) نمی‌تواند مطلوب تلقی شود. از سوی دیگر از آنجا که قرآن در مواردی از کسانی که از عقاید نامعقول دیگران پیروی نکرده و با رفتار ناشایست آنان همنوایی ننموده‌اند تجلیل می‌کند، استنتاج می‌شود که از دیدگاه اسلام برخی همنوایی‌ها مطلوب‌اند.

اصول اساسی متابعت و فنون آن عنوان مباحث بعدی این فصل است که در آن برخی فنون مهم (هفت فن) توضیح داده شده است. در بخش پایانی این فصل، ضمن تبیین عوامل اطاعت از مراجع قدرت، از هنجار اجتماعی و افزایش تدریجی وظیفه، به عنوان دو عامل مهم اطاعت از مراجع قدرت نام برده می‌شود.

فصل دهم: پویایی های گروه

در این فصل پنج موضوع به تفصیل و از دو دیدگاه علمی و تعریف اسلامی بررسی می شود. این پنج موضوع عبارت اند از:

۱. ماهیت اساسی گروه و نحوه تأثیر آن بر افراد؛
۲. تأثیر گروه بر انجام وظایف، چگونگی کار با دیگران و آثار آن بر انجام وظایف؛
۳. عدالت و انصاف در گروه ها و باور افراد به برخورد عادلانه یا ظالمانه با آنان و آثار این باورها بر افراد؛
۴. تصمیم گیری در گروه و عوامل مؤثر بر این فرایند؛

۵. موضوع رهبری، ویژگی ها و روش های رهبر و تأثیر متقابل رهبر و پیروان. طبق تعریف برای تحقق گروه شرایطی لازم است. تأثیر متقابل به صورت مستقیم و غیرمستقیم از شرایط ضروری تشکیل گروه است. گروه متشکل از دو یا چند نفر است که با هم تعامل دارند، در اهدافی مشترک اند، روابط پایداری با هم دارند، به نحوی به هم وابسته اند و خود را عضوی از گروه تلقی می کنند. جست و جو از علل ملحق شدن افراد به گروه ها و چگونگی کارکرد گروه ها مباحث بعدی این فصل را تشکیل می دهد.

توجه اسلام به فعالیت گروهی براساس منابع اسلامی در ادامه فصل، موضوع بررسی قرار می گیرد و شواهدی که دلالت می کنند در اسلام فعالیت گروهی مورد تأکید و اهتمام است، بر شمرده می شوند. در این راستا به اموری، چون تأکید اسلام بر اصل مشورت، اهمیت مسئولیت اجتماعی در اسلام و تشویق فعالیت های جمعی در آموزه های اسلام به عنوان شاهد مدعا اشاره می شود. افزون بر این، نقش ایمان در همبستگی بین اعضای گروه با ذکر شواهدی از تاریخ اسلام تبیین می شود. در بخش دیگری از این فصل مزایا و هزینه های کار در گروه بررسی می شود و مفهوم «تسهیل اجتماعی» (Social Facilitation) که یکی از مهم ترین موضوعات تحقیق در روان شناسی اجتماعی بوده است، در این ارتباط تبیین می گردد. تسهیل اجتماعی به این معنا است که حضور دیگران بر انجام وظیفه، اثر می گذارد و موجب تسهیل آن می شود. «بطالت اجتماعی» (Social Loafing) یعنی کاهش انگیزه و تلاش افراد هنگام فعالیت جمعی در یک گروه نسبت به هنگامی که به تنهایی فعالیت می کند، مفهوم دیگری است که براساس آزمایش ها و مطالعات انجام شده، توضیح داده می شود.

واکنش منفی به احساس بی‌انصافی در گروه، در چارچوب یک بحث ویژه موضوع تحقیق قرار گرفته و به دنبال آن روی آورد اسلام به عدالت و انصاف در گروه‌ها براساس منابع اسلامی استخراج و به طور مبسوط شرح داده شده است. در این راستا شش شیوه برای جهت دادن رهبران به سمت عدالت‌ورزی و رعایت انصاف از منابع اسلامی استخراج شده و بیان می‌گردد. توصیه‌های اسلام برای تأمین عدالت میان فردی در ده بند بیان گردیده که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به لزوم برخورد متواضعانه رهبر با اعضای گروه و برخورد ملاطفت‌آمیز وی با آنان و برخورد با افراد متخلف در حد تخلف آنان اشاره کرد.

«تصمیم‌گیری در گروه‌ها» عنوان فرعی دیگری است که در ادامه این فصل وجود دارد و تحت آن «مباحثی» چون فرایند تصمیم‌گیری، ماهیت تصمیم‌گیری گروهی و خطرات احتمالی چنین تصمیماتی تبیین می‌شوند. بیان راه‌های مقابله با «گروه فکری» در ادامه فصل مورد توجه قرار گرفته و ذیل این عنوان از شیوه‌هایی مانند آنچه که در پی می‌آید، بحث به میان آمده است: «اجتناب از انزوا یا احاطه اطلاعاتی» و گسترش فضای مخالفت و تردید میان اعضا از طریق باز گذاشتن راه پرسش‌های آزاد، فراهم آوردن فرصتی برای بررسی مجدد تصمیمات اخذ شده و نظرخواهی از گروه‌های دیگر در مورد تصمیمات ابتدایی و استمرار یا تغییر آنها.

از جمله مباحث مهم روان‌شناسی اجتماعی که در فصل «پویایی‌های گروه» بررسی می‌شود، بحث رهبری و الگوهای تأثیر در گروه است. در رهبری گروه به عنوان یک فرایند اگرچه رهبر بیشترین تأثیر را بر اعضا دارد، تأثیر متقابل رهبر و سایر اعضای گروه نیز مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. در ادامه بحث، عوامل مؤثر بر رهبری گروه بررسی می‌شوند و در این بررسی با مراجعه به منابع اسلامی، دیدگاه اسلام نیز ارائه می‌گردد. در این راستا با استناد به برخی آیات و روایات به صفاتی چون هوشمندی، علم و دانش وسیع، و ایمان به خدا، برای رهبر اشاره می‌شود. شجاعت، صبر و استقامت و علو همت نیز در بعد عاطفی به صفاتی برای رهبر اشاره می‌کنند که ضعف در آنها رهبری گروه را با مشکل مواجه می‌کند.

در مقایسه‌ای تطبیقی روشن می‌شود که هم در تحقیقات علمی و هم در متون اسلامی، برخورداری از صفاتی، چون قدرت جسمانی و تجربه ناشی از سن در رهبر مورد تأکید است. همچنین در منابع اسلامی جذابیت ظاهری و عدم ویژگی تنفرآمیز در رهبران

الهی مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این به صفات دیگری برای رهبر در تعالیم اسلام اشاره شده است که می توان آنها را در دسته صفات رفتاری و اخلاقی در نظر گرفت. برخی از این صفات عبارت اند از: عدالت فردی، صداقت، تواضع، حلم و سعه صدر. در ادامه، این نکته تبیین می گردد که ضعف رهبر در برخورداری از این صفات چگونه از نفوذ او بر گروه کم می کند و چه پیامدهای منفی دیگری می تواند داشته باشد. شیوه های رهبری و تأثیر اعضای گروه بر رهبر نیز با استناد به تحقیقات علمی و آنچه که از منابع اسلامی استفاده می شود، توضیح داده می شوند. در باره رهبری زنان نیز تلاش می شود روی آورد اسلام به مسئله تبیین شود. رهبری فرهمندانه، ویژگی های رهبران فرهمند، آثار متناقض فرهمندی و مقایسه رفتار و ویژگی های رهبران فرهمند اخلاقی و ضد اخلاقی از دیگر مباحث این فصل است.

فصل یازدهم: زمینه های جدید تحقیق در روان شناسی اجتماعی

آخرین فصل این کتاب، به دو موضوع از موضوعات متعدد و نسبتاً جدید این علم، یعنی قضاوت و کار می پردازد. در موضوع اول ابتدا به دیدگاه روان شناسی اجتماعی در باره ابعاد مختلف نظام قضایی توجه می شود و نقش فرایندهای هیجانی و شناختی افراد در جریان دادگاه بررسی می گردد. در موضوع دوم به کاربرد روان شناسی اجتماعی در تجارت و به طور جزئی نگرش های مربوط به کار (رضایت شغلی و تعهد سازمانی) پرداخته می شود و ابعاد اجتماعی مصاحبه های شغلی، سیاست های سازمانی و تعارض های موجود در مجموعه های کاری و اکاوی می شوند.

یک پرونده قضایی قبل از اینکه به دادگاه برسد، مراحل را طی می کند که بازجویی مأموران انتظامی یکی از آنها است. براساس این اصل که روابط اجتماعی متقابل بازجو و متهم می تواند با هدفی جهت دار در زمینه تأیید باورهای کنونی بازجو در جهت کشف حقایق صورت گیرد، به روش های بازجویی و اهداف آنها اشاره می شود و نتایج مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه ذکر می گردد. در ادامه فصل از عوامل مؤثر به برداشت و قضاوت ما نسبت به متهم سخن گفته می شود و در این راستا به اموری، چون تبلیغات رسانه های گروهی و افکار عمومی در زمینه جرم و متهم، پیش داوری ها، بی دقتی در گواهی شاهدان عینی، رفتار، گفتار و ویژگی های قضات و وکلای مدافع و

متهمان و ترکیب هیئت منصفه اشاره می‌شود و بیشتر مباحث به تحقیقات و مطالعات انجام گرفته مستند می‌گردد و در پرتو آموزه‌های اسلام نیز بررسی می‌شود. در این راستا مطرح می‌شود که در اسلام اهمیت گواهی دادن مورد تأکید قرار گرفته و از آن به عنوان یکی از راه‌های اصلی قضاوت یاد شده است. اسلام برای در امان بودن از خطاهای ناشی از گواهی نیز تدابیری اندیشیده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. صدور حکم در قضاوت اسلامی فقط بر اساس گواهی گواهان نیست، بلکه قاضی از هر طریق علم پیدا کند می‌تواند حکم بدهد؛ البته توضیح داده می‌شود که این علم باید مستند باشد تا موجب سوء استفاده قرار نگیرد.

۲. برای بهبود بخشی گواهی، شرایطی قرار داده شده است که گاهی این شرایط درونی است و گاهی بیرونی. منظور از عوامل درونی، شرایط و ویژگی‌های درونی شاهد است که اگر حاصل شوند، احتمال خطا بسیار کاهش می‌یابد، نظیر عدالت، گواهی بر اساس مشاهده و ادراک حسی و . . . منظور از عوامل بیرونی نیز تدابیری است که در مقررات حقوقی اسلام اندیشیده شده و باعث کاهش خطای شاهدان می‌شود؛ نظیر لزوم گواهی گواهان متعدد (تا چهار شاهد) در امور حساس و مهم و اینکه شاهد باید دارای سوابق خوب باشد و گواهی افراد فاسق، طرف دعوا، خائن و ظالم و . . . پذیرفته نیست.

در ادامه فصل ذیل عنوان «روان‌شناسی اجتماعی و کار» از نگرش‌های مرتبط با کار و عوامل مؤثر بر رضایت شغلی سخن گفته می‌شود و در این راستا به چهار عامل اصلی نظام تشویقی سازمان، کیفیت مدیریت، احساس مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها و نوع و ماهیت مشاغل اشاره می‌شود. با بررسی آثار رضایت شغلی به عنوان مکمل بحث قبلی، فصل ادامه می‌یابد و با بیان نگرش اسلامی نسبت به کار، با استناد به آیات و روایات مرتبط با بحث، این موضوع به پایان می‌رسد.

مطالعه مصاحبه‌های شغلی و نقش اثرگذاری عوامل مؤثر بر این فرایند، و گزینش و شرایط آن از دیدگاه اسلام، ادامه بحث را تشکیل می‌دهد. در مقام بیان دیدگاه اسلامی از معیارهای گزینش صحبت می‌شود. در این بحث بیان می‌شود که در مصاحبه‌های شغلی از دیدگاه اسلام دو نکته مهم است: الف. اینکه چه اموری را باید معیار گزینش قرار داد؛ ب. اینکه معمولاً چه عواملی مصاحبه‌گر را به صورت ناهشیار تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بحث اول دو بعد عمومی و تخصصی باید مورد توجه باشد. در بعد عمومی، همه

ارزش‌های اخلاقی که در زندگی روزمره جریان دارد، در مصاحبه شغلی نیز باید رعایت شود. بنابراین مصاحبه‌کننده حق ندارد مصاحبه‌شونده را تحقیر کند یا به او تهمت بزند؛ حق ندارد وارد حیطة شخصی و خصوصی و خانوادگی او بشود یا راجع به مسائل مختلف غیرکاری، اعم از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سؤال کند. اما می‌تواند درباره اخلاق عمومی او از خودش و دیگران سؤال کند. در بعد تخصصی نیز لازم است توانایی‌های فرد شناخته شود، از تجربه او سؤال شود و درباره ویژگی‌های لازم برای مسئولیتی که قرار است به عهده بگیرد، تحقیق شود. در بحث دوم مطرح می‌شود که مصاحبه‌گر باید متانت لازم را داشته باشد و فریب ظواهر را نخورد. مصاحبه‌شونده نیز باید صداقت را رعایت کند. سیاست‌های سازمانی، تعارض در مجموعه‌های کاری، و تفاوت‌های اجتماعی، سه بحث پایانی این مبحث و این کتاب را تشکیل می‌دهند. سیاست‌های سازمانی به کارهایی گفته می‌شود که به نفع فرد عامل هست هرچند به ضرر سازمان یا دیگران باشد. قبض و بسط اطلاعات، خود را خوب جلوه دادن، ایجاد زمینه‌های حمایت سازمان یا افراد از فرد و تمسک به حیل‌های زشت به عنوان برخی از مهم‌ترین سیاست‌های سازمانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بررسی علل سازمانی تعارض، الگوهای برخورد با تعارض، و روش‌های کاهش تعارض نیز ذیل موضوع دوم، یعنی تعارض در مجموعه‌های کاری مورد توجه قرار گرفته است. کتاب با فهرست منابع فارسی و انگلیسی، فهرست واژگان، فهرست اعلام خارجی، نمایه اشخاص، و نمایه آیات و روایات در ۶۱۵ صفحه به پایان می‌رسد.

گفتنی است این کتاب در جشنواره پژوهش‌های علم و دین (وزارت ارشاد) و نیز جشنواره کتاب سال دانشجویی و همایش کتاب سال حوزه از کتاب‌های برتر شناخته شد و جوایزی دریافت کرد.

این کتاب در اسفند سال ۱۳۸۳ با حضور برخی از اساتید و صاحب‌نظران این رشته و مؤلفان کتاب، طی نشست‌هایی که در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت.

روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی به عنوان کتاب درسی روان‌شناسی اجتماعی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی در برخی مراکز دانشگاهی و حوزوی تدریس می‌شود.